

## تقویم شماره دو به علامت (a) TiiD. 66

## تقویم سال ۹۵۰ گاو

تحویل چهار پنجم و نیم از مبدأ روز که ظهر میباشد گذشته است .  
نوروز آدینه .

در این سال فاصله سرسال ربعی با اول بهار هفت روز است ، لهذا اول سال خورشیدی و ربعی هر دو آدینه میباشد .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	آدینه	سوم	۸	آدینه	شب
» دوم	یکشنبه	چهارم	۷	شنبه	روز
» سوم	سه شنبه	پنجم	۷	دوشنبه	شب
» چهارم	پنجشنبه	ششم	۶	سه شنبه	روز
» پنجم	شنبه	هفتم	۶	پنجشنبه	شب
» ششم	دوشنبه	هشتم	۵	آدینه	روز
» هفتم	چهارشنبه	نهم	۵	یکشنبه	شب
» هشتم	آدینه	دهم	۴	دوشنبه	روز
» نهم	یکشنبه	یازدهم	۴	چهارشنبه	شب
» دهم	سه شنبه	دوازدهم	۳	پنجشنبه	روز

سال نوزدهم دوره ۱۹ سالی قمری و سال کیسه است .

سال نوزدهم دوره ۳۰ سالی قمری و سال کیسه میباشد .

ملاحظه - کسر اضافی سال قمری هجده سی ام روز است ، لهذا اول ماه قمری که

مبدأ آن نیمه شب یا شامیت میباشد شب میشود .

سال پانزدهم از نوبه نهم ۱۱۷ سالی از دوره ۱۴۰۴ سالی .

## تقویم شماره سه به علامت M. 147

ماه	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری	ساعت	راتو
اول					
دوم					
سوم					
چهارم	۱۱	یکشنبه	روز	۱	۲۸۸
پنجم	۱۱	سه شنبه	شب	۲	۷۲
ششم	۱۰	چهارشنبه	روز	۲	۷۲
هفتم	۱۰	آدینه	شب	۲	۲۱۶
هشتم	۹	شنبه	روز	۲	۲۱۶
نهم	۹	دوشنبه	شب	۲	
دهم	۸	سه شنبه	روز	۲	
یازدهم	۸	پنجشنبه	شب	۳	۱۴۴
دوازدهم	۷	آدینه	روز	۳	۱۴۴

ملاحظه - سه ماه اول این تقویم محو شده است.

## تقویم شماره سه به علامت M. 147

## تقویم سال ۶۸۱ بوزینه

تحویل سه پنجم و نیم از مبدأ روز که ظهر میباشد گذشته است .

نوروز یکشنبه .

اول نوسرد آدینه .

در این سال فاصله سر سال ربعی از اول بهار پنج روز است .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	آدینه	دوازدهم	۱۲	سه شنبه	
» دوم	یکشنبه	اول	۱۲	پنجشنبه	روز
» سوم	سه شنبه	دوم	۱۲	شنبه	شب
» چهارم	پنجشنبه	سوم	۱۱	یکشنبه	روز
» پنجم	شنبه	چهارم	۱۱	سه شنبه	شب
» ششم	دوشنبه	پنجم	۱۰	چهارشنبه	روز
» هفتم	چهارشنبه	ششم	۱۰	آدینه	شب
» هشتم	آدینه	هفتم	۹	شنبه	روز
» نهم	یکشنبه	هشتم	۹	دوشنبه	شب
» دهم	سه شنبه	نهم	۸	سه شنبه	روز
» یازدهم	پنجشنبه	دهم	۸	پنجشنبه	شب
» دوازدهم	شنبه	یازدهم	۷	آدینه	روز

سال شانزدهم دوره ۱۹ سالی قمری است و سال کیسه نمیشد .

سال یازدهم دوره ۳۰ سالی قمری است . این سال کیسه است و سه ماه قمری

۳۰ روزی پشت سرهم میباشد .

ملاحظه - کسر اضافی در اول سال قمری خود تقویم یک سی ام روز است

و لهذا اول ماه قمری که مبدأ آن نیمه شب یا شامپت میباشد روز است .

## تقویم شماره چهار به علامت M. 796

ماه	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
اول			
دوم			
سوم			
چهارم			
پنجم			
ششم			
هفتم	۲	سه شنبه	روز
هشتم	۲	پنجشنبه	شب
نهم	۱	آدینه	روز
دهم	۱	یکشنبه	شب
دهم	۳۰	دوشنبه	روز
یازدهم	۳۰	چهارشنبه	شب
دوازدهم	۲۹	پنجشنبه	روز

این سال گاو هر مزت بغ . . . . ماه فوغ . . . . دش چ . . . . پنجشنبه . . . .  
 . . . . دینگ . . . . میش . . . .

ملاحظه ۱ - در متن قدیم اصلی شش ماه از تقویم و بسیاری از کلمات محو شده و ناخواناست . کلمه پنجشنبه خواندنش مشکوک است چون اصل در دست ما نیست بیش از این نمیشود اظهار نظر کرد .

ملاحظه ۲ - در این سال یک سال قمری اول و آخرش در یک سال شمسی واقع شده و چون دارای نام گاو هم میباشد از نظر حساب مهم است .

## تقویم شماره چهار به علامت M. 796

## تقویم سال ۱۰۱۰ گاو

تحویل دو پنجم از مبدأ روز که ظهر باشد گذشته است .

نوروز چهارشنبه مطابق روز هرمز از ماه فوغ ( ماه نهم ) سغدی یزدگردی .  
روز دی بمهر ( ذ ش چ ) از ماه فروردین به حساب دوره کیسه ۱۴۲۸ سالی .  
در این سال فاصله سر سال ربعی با اول بهار هفت روز است ، لهذا اول سال خورشیدی و ربعی هر دو چهارشنبه میباشد .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	چهارشنبه	اول	۵	یکشنبه	روز
» دوم	آدینه	دوم	۵	سه شنبه	شب
» سوم	یکشنبه	سوم	۴	چهارشنبه	روز
» چهارم	سه شنبه	چهارم	۴	آدینه	شب
» پنجم	پنجشنبه	پنجم	۳	شنبه	روز
» ششم	شنبه	ششم	۳	دوشنبه	شب
» هفتم	دوشنبه	هفتم	۲	سه شنبه	روز
» هشتم	چهارشنبه	هشتم	۲	پنجشنبه	شب
» نهم	آدینه	نهم	۱	آدینه	روز
» دهم	یکشنبه	دهم	۱	یکشنبه	شب
» دهم	دوشنبه	یازدهم	۳۰	دوشنبه	روز
» یازدهم	سه شنبه	دوازدهم	۳۰	چهارشنبه	شب
» دوازدهم	پنجشنبه	اول	۲۹	پنجشنبه	روز

سال سوم دوره ۱۹ سالی قمری . این سال کیسه است .

سال بیستم دوره ۳۰ سالی قمری . سال قمری قبل که سال ۱۹ میباشد کیسه است .

ملاحظه - کسر اضافی سال قمری ده سی ام روز است ، لهذا اول ماه قمری که

مبدأ آن نیمه شب یا شامپت میباشد روز میشود .

## بخش دوم

### تاریخ یزدگردی باستانی

در دو تقویم از تقویمهای تورفانی (شماره ۱ و ۲) قرن هشتم پیش از میلاد نام یزدگردی برده شده است. در زیجها و کتب نجومی وضع این تاریخ را به زمان جم و قبل از او نسبت داده اند و تصریح کرده اند که این تاریخ مربوط به یزدگرد شهریار نیست. یزدگردی یعنی الهی. عیسویان نیز تاریخ میلادی را سال خدائی و الهی میگویند و A. D. علامت اختصار این معنی است.

این سالها را یزدگردی میگفتند برای اینکه هر یک از روزهای ماه از ایزدی بود و نماز مخصوصی داشت ولی بعدها هر گونه سال ۳۶۵ روزی را یزدگردی گفتند و برای تمیز این تاریخ از تاریخهای دیگر این تاریخ را یزدگردی قدیم یا باستانی مینامند. سالهای یزدگردی باستانی ۳۶۵ روز بی کسر است و از این جهت سر سال در تمام فصول سیر میکند و روزهای متبرک تمام اوقات فصول را متبرک مینماید. مدت سیر سر سال در فصول چهارگانه ۱۵۰۸ سال بی کسر و یا ۱۵۰۷ سال خورشیدی کامل است.

### معلومات ذیل راجع به تاریخ یزدگردی باستانی

در کتب نجومی دیده میشود:

- ۱ - مبدأ طول نیمروز است.
  - ۲ - مبدأ دوره دوازده سالی موش است.
  - ۳ - روز این تاریخ از اول طلوع آفتاب تا اول طلوع آفتاب روز دیگر است.
- با در نظر گرفتن معلومات بالا و مراجعه به یکی از تقویمهای معمولی برای فاصله روز اول فروردین باستانی از ساعت تحویل میتوان مبدأ این تاریخ را پیدا کرد مخصوصاً اینکه از محاسبات گذشته مقدار متوسط طول سال معلوم شد و نیز از حسابهای آینده واضحتر خواهد گردید. مبدأ روز صبح است.

.....

پس از پیدا شدن مبدأ تاریخ یزدگردی نتایج ذیل بدست میآید:

۱ - مبدأ تاریخ یزدگردی باستانی سال ۶۱۰۳ خورشیدی موش پیش از سلگی

است ( ۵۰۲۵ سال پیش از میلاد ).

۲ - مبدأ سال یزد گردی باستانی ۳۳۰۰ سال خورشیدی و یک روز از تاریخ بهیزکی جلوتر است . در این سال ۷۰ روز کیسه شده است و تاریخ بهیزکی با کیسه ۱۲۰ سالی ایجاد شده .

۳ - اگر از ۳۳۰۰ سال خورشیدی ۴۲ سال کم کنیم ۳۲۵۸ سال باقی میماند . این سال آخرین سال هزاره نهم است .

عدد ۲۵۸ قابل توجه است . این عدد حاصل جمع عدد ۱۴ و عدد ۲۴۴ میباشد . دو دوره ۱۵۰۷ سالی خورشیدی ۳۰۱۴ سال میشود . از دوره سوم یزد گردی باستانی در این سال ۲۴۴ سال خورشیدی گذشته است .

از این قرار از اول تاریخ یزد گردی باستانی تا سال ولادت زردشت ۳۲۵۸ سال است . زردشت در ۴۳ سالگی رصد کرده و حسابهای سابق را منظم نموده است . سال رصد زردشت ۳۳۰۰ سال خورشیدی بعد از یزد گردی باستانی است .

دوره ۱۵۰۸ سالی یزد گردی باستانی در هر ۱۱۶ سال یک بار کیسه میشود . شرح نوبه های کیسه ای که از اجرای آن اطلاع داریم در قسمت راجع به کیسه ها داده شده است .

آخرین نوبه کیسه دوره چهارم یزد گردی باستانی مکبوس در سال ۳۷۵ یزد گردی معمولی که سال قبل از سال آخر دوره چهارم میباشد اجرا شده است .

همچنین قابل ملاحظه است که اولین سال دوره پنجم یزد گردی خورشیدی در سال ۳۷۳ یزد گردی رحلت شروع میشود و این سال سال نهنگ است .

تاریخ یزد گردی رحلت هم از سال نهنگ شروع میشود .

تاریخ طوفان که نیز از تاریخهای مشهور قدیم ایران است و شرح آن در جای خود داده خواهد شد . مبدأ آن روز جمعه ۱۴ اردیبهشت سال ۵۴۶ یزد گردی باستانی است .

.....

در ذیل متن نوشته نجومی تورفانی را که در بخش اول به آن اشاره کردیم و مربوط به سالهای یزد گردی باستانی است به خط فارسی میدهیم .

از این نوشته دو ترجمه مختلف تا کنون کرده اند که خلاصه آن پس از متن قدیمی داده میشود . در کلیات هر دو ترجمه اختلافی نیست ولی نسبت به برخی کلمات اختلاف نظری وجود دارد که این جزوه گنجایش شرح آن را نخواهد داشت .

مثلاً کلمه « هاسین » در هر دو ترجمه و همه جا به معنی تابستان گرفته شده که به نظر ما درست نمیباشد . در یک جمله این کلمه به معنی استواء و اعتدال است . ترجمه دقیقتر این نوشته با در نظر گرفتن اصطلاحات نجومی پهلوی و فارسی و عربی دقت بیشتری لازم دارد که اکنون میسر نیست و چندان مربوط به موضوع این جزوه که فقط در رصد و تاریخ و تقویم بحث میکند نیست .

### گوشن . ایگ . پهریزشن . روچان

. . . . . روح . پد . هان . سیه . راستوان . ی . اوی . دوزیگ . آستانگ . هنزافت . اگ . آبان . ماه . هنگیشی هید . اوذ . پیداک . بوید .  
 اوذ . ماه . آبان . روح . یازده . زمان . بوید . اوذ . شب . سیزده . اوذ . ایگی - چ . هام شهر . خور - ایستیک . اوذ . ویشاذ - آفتاب . ایستید .  
 اوذ . دوزی - چ . خورخشید . اچ . هان . آستانگ . ی . دوزیگ . او . هان . آستانگ . ی . نخویستین . ی . ابرذر . مهی . اوذ . ویهمذر . اچ . اباریگان . اول . ویهیزید . اوذ . انی . سیه . روح . ی . آذور ماه . پد . هان . هم . سیه . راستوان . اوذ . تیریست . اوذ . شصت . و یچهرگ . ی . پد . اوی . هم . آستانگ . ی . نخویستین . پس ساخت . ایستیند . کی . ماه . آذور . پذیرش . پهریست . هان - اش . دوزی . ماه . آذور . همبازیچ . دروخشان . ی . هوشاگین . سوچاگین . اوذ . تمین . اوذ . دو - پهی کر . اختر . پذیرش . پهریزید . او - شان . گرماگ . ازیش . فروذ . ویشاهید . اوذ . نیوین نید . اورور . اوذ . بار . پخشاز .  
 اوذ . پد . هان . سیه . روح . ایگ . آذور . ماه . ایگ . تیریست . اوذ . شصت . ویسانگ . ی . بویند . ایو . زمان . اسپور . روح . روح . دووازده . ویسانگ . دوزی . اچ . شب . اباچ . استانیهید . اوذ . ابر . روح . پد . گیاگ . ی . خویش . ابزویذ . اوذ . روح . دووازده . زمان . بوید . اوذ . شب . دووازده . زمان . اوذ . هرو . دو . آگنین . هسار . ایستیند . اوذ . گهی . هاسشهر . دوزی . هاسین . بوید . اوذ . نیم روح . ریه . چی اون . اچ . نخویست - ایچ . خورخشید . پهریست . بوذ .  
 اوذ . پس . ایو . سار . پد . دووازده . ماهیگان . هم پذیرش . دووازده . اختر . پد . وهار . اوذ . هاسین . پادیز . اوذ . دمیستان . هم بخشید . اوذ . پیداک . کنید .



اوذ . درخت . اسپیزیند . اوذ . مرو . اود . گیاو . اوذ . بار . اوذ . ارور . پخشیند .  
 اوذ . دامان . پرزیویشن . بوید .  
 اوذ . کا . خورخشید . اندر . اوی . ویهمیه . ی . هام کشور . پذ . اسمانان .  
 باریست . ماه . ماه . همبذیچ . وررگ . گاو . دو - پهیگر . کیرزنگ . اوذ . شگر .  
 اختر . اچ . ابر . پهریزید . ایگ . همپذ . یز . ایمیشان . پنزان . اختران . پذ . پنز .  
 ماه . هان . پنروز . ابزویذ . اختر . اوذ . ماه . ماه . یک . روچ . هان . ی . نون .  
 اچ . ایران . پنز . گاه . هنگاریند . اوذ . اچ . انیران - ایز . همبذیچ - ایم . پنز . پنز .  
 اختر . روچ . ده . ابزویذ . اختر . اختر . دو . روچ . اوذ . هسار - ایز . هوشگ .  
 اختر . پذ . ایو . ماه . یک . روچ . ابزویذ . هان . ی . کا - شان . نیوین نید . سرذاگ .  
 ازیش . فروذ . ویشاهان . اوذ . درخت . ویرزن . سانان . اوذ . پاذیز . اشمیران .  
 اوذ . هام کشور . خوروپران . بوان . اوذ . هسار - ایچ . ماهیگ . اختر . پذ . ایو .  
 ماه . یک . روز . ابزویذ . هان . ی . کا . نیوین نید . گرماگ . اچیش . فروذ . ویشاهید .  
 اوذ . درخت . اسپیدان . اوذ . وهار . اشمیران . اوذ . هاشهر . اوشیبام . بوان . ایگ .  
 هان . پنز . روچ . ی . نون . اچ . ایران . پنز - گاه . هنگاریند . اوذ . دووازده . روچ .  
 ی . اچ . انیران . چی . هامین . پذ . یار . اوذ . پهریزشن . ی . خورخشید . اچ . ماه .  
 میهر . دا . او . ماه . وهمن . پذ . پنز . ماه . اندر . اوی . ویهمیه . ی . هام کشور . از  
 . . . . .

### خلاصه ترجمه متن نوشته نجومی

. . . روزهای راستوانه دوم تمام میشود و ماه آبان پدیدار میگردد .  
 در ماه آبان روز یازده زمان و شب سیزده زمان است .  
 پس خورشید از آستانه دوم به آستانه اول میرود . سی روز دیگر روزهای ماه آذر  
 هستند در همان سی راستوانه ۳۶۰ و یچهرک در آستانه اول پر میشود .  
 درسی روز ماه آذر دوباره ۳۶۰ و یسانگ یک زمان تمام از شب برداشته میشود  
 و به روز افزوده میگردد . هر روزی دوازده و یسانگ . پس روز دوازده زمان و شب  
 دوازده زمان و هردو برابرند و نیمروز ریه میشود .  
 یک سال دوازده ماه در برابر دوازده آستانگ پخش میشود . بهار تابستان پائیز  
 و زمستان و سال نمایان میگردد . درختان شکفته میشوند و گیاه و دام می بالند .

هنگامیکه خورشید در بلندترین آسمانها است در هر ماهی هر ماهی اختر بره گاو  
دوپیکر و کرزنگ و شیر می باشند . این گاه پنج ماه فزونی پنج روز در هر اختر و ماه  
یک روز .

این روزها به حساب ایران پنج گاه میباشند .  
به روش انیران در پنج اختر ده روز افزوده میشود هر اختری دوروز . در اختر  
خوشگ در یک ماه یک روز افزونی است .  
در این هنگام سرما میآید درختان پژمرده میشوند و هام کشور خوربران میگردد .  
در اختر ماهیک یک ماه یک روز افزاید . هنگامیکه گرمی فروآید درختان شکفته  
میگردند و بهار میشود و همه جهان میبالد .  
اینها پنج روزی هستند اکنون بروش ایران پنج گاه انگارند و دوازده روزی  
که بروش انیران . . .

### تاریخ جلوس یزد گرد شهریار و تاریخ رحلت

چنانکه گفتیم یزد گردی یعنی الهی و مربوط به یزد گرد شهریار نیست .  
در همه کتابهای تاریخ از بلاذری و یعقوبی و طبری گرفته تا روضة الصفا و حبيب السیر  
تصریح کرده اند که در سال یازدهم هجری یزد گرد شهریار پادشاه نبوده است .  
اگر جلوس یزد گرد شهریار فقط یک سال بعد از سال یازدهم هجری باشد  
روز اول تاریخی که به او منسوب کرده اند سه شنبه نمیشود و اگر سه شنبه نشد ۱۴ قرن  
اختلاف که در تاریخ پیدا شده خود بخود بر طرف میگردد .

.....

رحلت حضرت رسول (ص) در سال یازدهم هجری است .  
. خلافت ابوبکر از این سال است و وفات ابوبکر در سال ۱۳ هجری .  
بعد از ابوبکر عمر ده سال و شش ماه خلافت کرده و در سال ۲۳ هجری کشته شد .  
در جنگهای بعد از سال ۱۴ هجری پوراندهخت شکست خورده و باعث این شده  
که یزد گرد شهریار را بیاورند .  
پس از این تذکرات مختصر میگوئیم :

بموجب روایات ذیل که بطور تذکر از کتب تاریخ نقل شده در سال یازدهم هجری یزدگرد شهریار پادشاه نبوده است و تاریخ یزدگردی مشهور تاریخ رحلت است . چون ۱۴ قرن اختلاف در تاریخ قابل توجه است مطالبی که در ذیل نقل میشود زمینه‌ایست برای مراجعه به کتب مفصل تر .

.....

در ماه چهارم از پادشاهی اردشیر بن شیرویه ابوبکر خلیفه شد ( حمزه ) . در سال ۱۲ هجری ابوبکر خالد را به عراق فرستاد ( مجمل ) .

ابوبکر به مثنی نوشت به خالد ملحق شود . خالد آمد و لشکر را به سه دسته تقسیم کرد و مثنی را در مقدمه گذاشت . قرار دادند در موضع الحفیر به دشمن برخورد کند . این موضع از بزرگترین موضع های فارسیان بود و شوکت آن از همه شدیدتر . امیر آنجا یکی از اسواران بود که او را هرمز مینامیدند . او با عرب در خشکی و با هندیان در دریا جنگ میکرد .

وقتی که هرمز خبر آمدن دشمن را شنید به اردشیر شاه خبر ایشان را نوشت ( ابن الاثیر ) .

خالد انبار را به صلح بگشاد و سوی مرزبان کس فرستاد به مدائن به دعوت اسلام . اندر آن وقت پوران دخت را همی نشانند .

آمدن خالد به حیره در روزگار پوران دخت بود و آخر خلافت ابوبکر ، در سال ۱۲ هجری .

اندر عهد پوران دخت پیغمبر ( ص ) گذشته بود و ابوبکر صدیق بخلیفتی بنشسته و آخر عهدش بود . چون سه ماه از ملک پوران دخت بگذشت خلافت به عمر رسید ( مجمل ) . پوران دخت یک سال و چهار ماه پادشاه بود . پیغمبر ( ص ) بروزگار پوران دخت وفات یافت و ابوبکر بخلافت نشست . چون پوران بمرد پادشاهی به خواهرش دادند ( طبری فارسی ) .

اوائل خلافت عمر مثنی به مدینه شتافت و جهت جنگ با عجم استمداد نمود . عمر مردم را برفتح عراق و غزو عجم ترغیب کرد اما در آنروز هیچ کس اجابت نکرد زیرا عظماء جهت عزل خالد از عمر رنجیده بودند و بعضی از کثرت عدد و وفور عدت حکام فرس اندیشه می نمودند .

چون دعوت عمر تکرار شد ابو عبیده ثقفی این امر را قبول کرد . عمر هزار مرد و بروایتی چهار هزار کس همراه ابو عبیده به عراق فرستاد . در آن زمان به قول اکثر مورخان حکومت عجم تعلق به پوران دخت داشت ( حبیب السیر ) .

عمر ابو عبیده را به عراق فرستاد و خسرو مرده بود و پوران دخت به جای او بود . رستم و فیروزان دو قیم بودند و به کارهای ملک میپرداختند و هر دو ضعیف بودند . لشکر ابو عبیده شکست خورد و همه کشته شدند . خبر به عمر رسید بسیار غمگین شد ( یعقوبی ) . جنگ جسر که ابو عبیده در آن کشته شد آخر رمضان سال ۱۳ هجری بود . عمر بواسطه شکست ابو عبیده یک سال اسم عراق را نمیآورد ( بلاذری ) .

فیروزان و رستم به پوران دخت گفتند نام زن ها و کنیزان خسرو و خاندان ساسانیان را به ما بده و او داد . ایشان در طلب آنها فرستادند تا مردی را از فرزندان کسری نشان دهند ایشان گفتند جز یک پسر بنام یزد گرد شهریار نمانده و مادرش از اهل با دریا است . نزد او فرستادند و او را آوردند و پادشاه کردند . مسلمانان به عمر خبر دادند و این در ذی عقده سال ۱۳ هجری واقع شد ( طبری عربی )

پس از فیروزان و فرخ زاد یزد گرد شهریار را آوردند و چون بنشست روزگار خلافت عمر بود و حرب قادسیه ( مجمل ) .

جنگ قادسیه در سال ۱۵ هجری بود ( تاریخ گزیده ) .

اندر عهد یزد گرد شهریار پنج سال عمر خلیفه بود و پس عثمان ( مجمل ) . کشته شدن عمر در ذی حجه سال ۲۳ هجری است .

.....

حمزه اصفهانی از موسی بن عیسی کسروی و مجمل التواریخ از هر دو نقل میکند : «از دوشنبه تشرین الاول اسکندری تا پنجشنبه اول محرم سال هجرت ، ۹۳۲ سال و نه ماه و نوزده روز باشد . پس چهل سال بر سرش گرفتیم مدت ابتدای هجرت تا هلاک شدن یزد گرد شهریار حساب آن به ۹۷۲ سال کشید و نه ماه و نوزده روز . \*»

بموجب این روایت جلوس یزد گرد که بیست سال پیش از مرگش بوده در سال ۹۵۳ اسکندری مطابق سال بیستم هجری میشود .

در جدولهای اوائل کتاب مجمل التواریخ جلوس یزد گرد را در سال ۲۶ هجری داده است .

\* نسخه اصلی عربی « هلاک » دارد که ملک هم خوانده میشود .

خلاصه از مدار کی که برای نمونه تا اینجا نقل کردیم واضح است که در سال یازدهم هجری یزدگرد شهریار پادشاه نبوده است. حال باید دید که تاریخ یزدگردی مشهور که مبدأ آن روز سه شنبه ۲۲ ربیع اول سال یازدهم هجری است از که میباشد. هبةالدین لاری منجم قرن نهم هجری در شرح هیئت قوشچی که از کتاب های مقدماتی نجوم چندین قرن بوده پس از این که روایت معمولی جلوس یزدگرد را در سال یازدهم هجری از کتاب نهاییه نقل کرده چنین می نویسد:

« ولیکن (اینها) موافق تاریخ مشهور نیست چه این سال سال وفات سید کائنات است و در تواریخ چنان مذکور است که لشکر ظفر اثر اسلام چون متوجه جنگ ایشان شد پوراندخت از دختران کسری پادشاه بود.»

این که لاری از میان کتابها اشاره به کتاب نهاییه کرده قابل توجه میباشد. شرح زندگانی مؤلف نهاییه خالی از اهمیت نیست.

.....

در این که رحلت حضرت رسول (ص) روز دوشنبه و در سال یازدهم هجری بوده اختلافی نیست ولی در این که این دوشنبه چندم ماه قمری میباشد اختلاف است. در یکی از روایات که از قدیم مورد بحث بوده آمده که رحلت حضرت رسول (ص) سی سال قمری بدون یک روز کم و بدون یک روز زیاد پیش از شهادت حضرت امیر است\* چون شهادت حضرت امیر (ع) در یکشنبه ۲۱ ماه قمری است پس رحلت حضرت رسول (ص) در ۲۱ ماه قمری واقع میشود و علت درست در نیامدن حسابها بر هم خوردن کیسه سالهای قمری است.

روز رحلت را به روایتی دوشنبه دوم ربیع الاول و به روایتی دوشنبه ۱۲ ربیع الاول داده اند که اعداد صحیح است ولی مقلوب شده.

روز ۲۲ ربیع الاول سال یازدهم هجری سه شنبه و مبدأ تاریخی است که در همه زیجها ثبت است. پس اول ربیع الاول نیز سه شنبه خواهد بود و روز دوم و دوازدهم دوشنبه نمیشود. عدد ۱۲ و عدد ۲ مقلوب ۲۱ و ۲۰ است. به حساب رؤیت روز ۲۰ دوشنبه میشود.

رحلت حضرت رسول (ص) شب سه شنبه بیست و دوم ربیع الاول سال یازدهم

\* رساله شریفه در ضمن رسائل حضرت سید کاظم رشتی اعلی الله المقامه چاپ سنگی

هجری است و در روز سه شنبه اول فروردین و روز «سیرین» که هردو از روزهای متبرک  
شمرده میشد به خاک سپرده شده اند .

از قدیم مرسوم بود که روز رحلت را مبدأ تاریخ قرار دهند . این که روز رحلت را  
مقدس شمرده اند برای اینست که عقیده داشتند هر شخصیت روحانی هنگام رحلت به رشد  
معنوی رسیده و قابلیت وصول به عالم بالا را پیدا کرده است .

### جلوس یزدگرد شهریار

جلوس یزدگرد شهریار در سال ۹۴۴ مهری اشکانی مطابق ۶۷۳ میلادی است  
و در سال ۶۷۶ میلادی کیسۀ هشتم از دوره دوم در زمان او اجرا شده است .  
در خطط مقریزی از علی بن یحیی منجم نقل شده که در زمان یزدگرد شهریار  
روز اول فروردین یزدگردی از پنجم جزیران به طرف پنجم ایار سیر میکرده است .  
اول فروردین یزدگردی در سال ۶۷۶ میلادی در پنجم جزیران بوده است و این  
سال سال چهارم جلوس یزدگرد شهریار میباشد .

### طالع سال جلوس اردشیر

کتاب نجومی طالع سال جلوس اردشیر را از ۱۵ تا ۱۸ درجه جوزا داده اند و این  
طالع ها از مأخذ نیمروز یا قبة الارض حساب میشده است . طالع سال ۵۳۷ مهری اشکانی  
مطابق ۲۶۶ میلادی همان طور که داده اند در اواسط جوزا است .  
همچنین اختلافی نیست که میان جلوس اردشیر و یزدگرد شهریار ۴۰۷ سال  
است و از این قرار جلوس یزدگرد با این حساب نیز در سال ۹۴۴ مهری اشکانی مطابق  
۶۷۳ میلادی است .

### سال مرگ خسرو پرویز

راجع به سال جلوس و مرگ انوشیروان اختلافی نیست . او در سال ۵۷۹ میلادی  
مردده است . راجع به مدت پادشاهی هرمز و خسرو پرویز اختلاف است .

طبری مینویسد: « ذکر کرده اند که سنجمین اجماع نمودند خسرو پرویز چهل و هشت سال پادشاهی میکند . » مدت پادشاهی هرمز را نیز تا بیست و سه سال داده اند . از این قرار مرگ خسرو پرویز در سال ۶۵۰ میلادی واقع میشود .

بادر نظر گرفتن کلیه روایات و همچنین ماه شمسی و قمری و روز و ساعت مرگ خسرو پرویز که کتب تاریخ داده اند میتوان به نتیجه ذیل رسید :

خسرو پرویز روز آذر از ماه دی بهیز کی تقریباً سه ساعت گذشته از شب دوشنبه جمادی الاولی سال ۳۰ هجری مطابق سال ۶۵۰ میلادی مرده است . این شب ، شب گاهنبار « مید یاریمگاه » میباشد .

چون سی ام را « سیم » هم می نویسند با ششم اشتباه شده است و لهذا نوشته اند خسرو پرویز در ساعت هشتم از روز دوشنبه یازدهم جمادی الاولی مطابق روز آذر از ماه آذر در سال ششم هجری در گذشته است که با حساب درست نیست .

درباره مرگ خسرو پرویز در شاهنامه این بیت آمده است :

کجا ماه آذر بد و روز دی      گه آتش و مرغ بریان و می

در نام روزهای ماه روزی به نام دی نیست . سه روز از ماه بنام دی باذر و دی بمهر و دی بدین میباشد .

چون این روز باید دوشنبه یازدهم جمادی الاولی و شب جشن و می و مرغ و هنگام آتش باشد بیت اصلی این طور بوده است :

کجا روز آذر بد و ماه دی      گه آتش و مرغ بریان و می .

## بخش سوم

### رصد خانه - طول سال - تاریخ رومی - دوره های کیسه

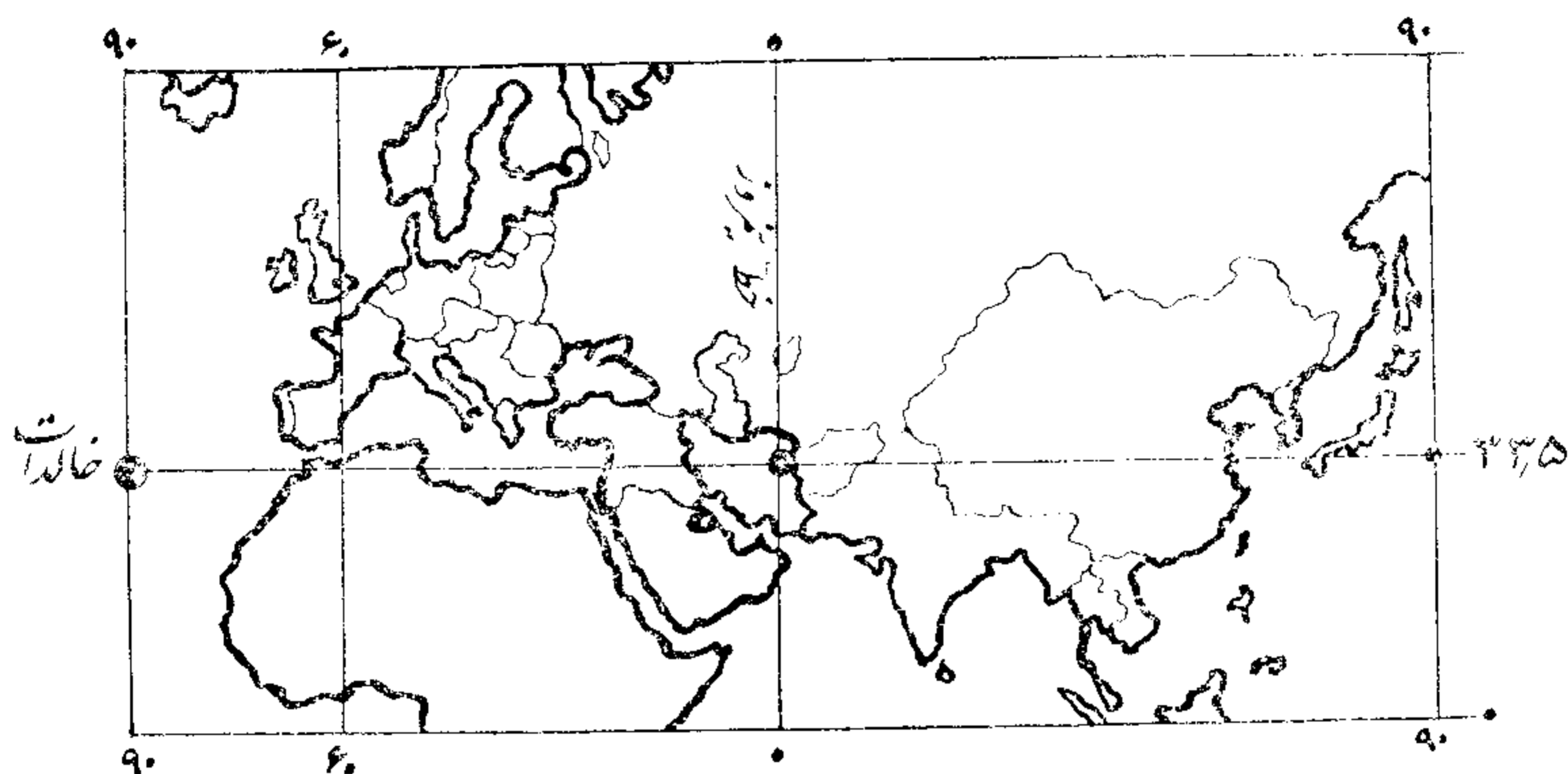
تذکر - اگر رصد خانه و مبدأ روز و دوره کیسه و نوبه کیسه و طول سال خورشیدی و موقع اجرای یکی از کیسه ها و . . . معلوم باشد میتوان شماره سالهای گذشته تاریخی را بدست آورد .

حال اگر غرض بر همزدن حساب های قدیمتر باشد تا این که موقع بشارت ها که مدار مذهب و سیاست بر آن بوده بهم بخورد و در زمان معینی صدق کند یا نکند باید در چنین معلومات اساسی تشویش و اختلاف ایجاد کرد .

اختلاف و تناقض روایات راجع به کیسه هشتم ۱۱۶ سالی در زمان یزدگرد بن شاپور و کیسه هشتم ۱۲۰ سالی بهیز کی در زمان یزدگرد شهریار یکی از موارد بسیار این خرابکاری ها است که از آن جهات ضعف اخلاص کنندگان را میتوان فهمید .

در ذیل مختصری راجع به رصدخانه نیمروز و جزایر وهمی خالدا و منجمین آن و قدمت و اشکال کیسه تاریخ رومی و طول سال و تاریخ رومی و دوره های کیسه و تاریخ ملکی و کیسه ۱۴۶۱ سالی داده میشود .





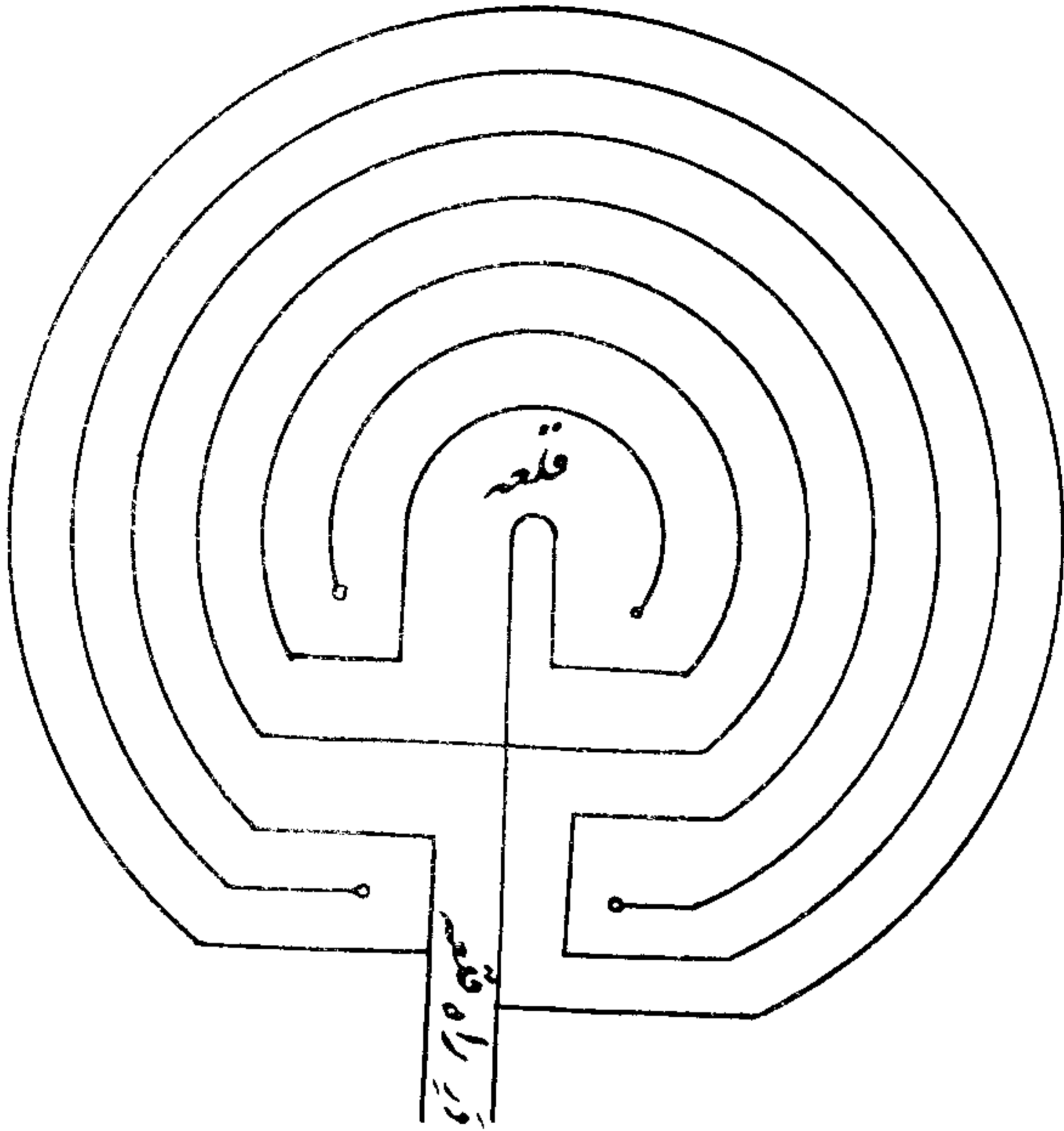
## رصد خانه نیمروز

دایره نیمروز یا نصف النهار رصد های قدیم ایران از سیستان که آن را بهمین مناسبت نیمروز و زاوول هم میگفتند میگذاشته است . نام خود رصدخانه را «جاودان کث» یا بهشت کنگ یا کنگ دژ یا قبة الارض نوشته اند . زاوول به معنی ظهر و مزوله که ساعت آفتابی باشد از کلمه زاوول است . زاوول و زاوول یک کلمه است .

این رصدخانه در عرض ۳۳٫۵ درجه در وسط دوساحل شرقی و غربی خشکی جهان واقع است . سبب انتخاب این نقطه برای رصدخانه اینست که هر وقت در نیمروز ظهر است همه جای دنیای قدیم روز است یا پیش از ظهر یا بعد از ظهر .

این که عرض رصدخانه را ۳۳٫۵ درجه گرفته بودند برای این بود که تا عرض ۶۷ درجه شمالی روی کره زمین قابل آبادانی است و برای این که رصدخانه درست در وسط آبادانی جهان قرار گیرد این عرض را برای رصدخانه در نظر گرفته بودند .

این بود خلاصه آنچه درزیج ها و کتب تاریخ و لغت راجع به نیمروز و زاوول یا زاوول و کنگ دژ و بهشت کنگ و جاودان کث نوشته اند .



نقشه قلعه « جاودان کث » نقل از کتاب هند بیرونی

### رصدخانه جزائر خالدات یا سعادت

چنانکه نوشته‌اند خالدات یا سعادت شش یا هفت جزیره می‌باشند که در اقصای مغرب در دریای محیط واقع شده‌اند. فاصله این جزائر از ساحل اقیانوس دو بیست فرسنگ است. این جزائر را خالدات که ترجمه جاودان کث است نامیده‌اند برای این که در بیته‌ها و باغهای آن جزایر همه گونه میوه‌های لذیذ و شگفت آور یافت میشود بی آنکه کسی آنها را کاشته باشد. زمین این جزایر بجای علف محصول می‌آورد و بجای خار انواع گل‌های معطر رنگین. مسفهان و لغوش نام دو جزیره از این جزائر است. در آنجا عمارتی از سنگ تراشیده‌اند و روی ستونی بلند مجسمه‌ای از برنج نصب شده است.

در این جزائر مقام طایفه ای از حکما و خاندان منجمین است . مجوس های نصارا از این جزایر آمده اند .

این بود خلاصه آنچه راجع به این جزائر افسانه ای نوشته اند و متأخرین هم برای مزید گمراهی جزائر بی آب و علف کاناری را خالدات ترجمه کرده اند .

.....

چون ساختن یکت رصدخانه و تجدید رصد در مدت کم امکان نداشت این جزائر و همی را در فاصله نود درجه در مغرب نیمروز با منجمین مخصوصی تخیل کرده و حسابهای قدیمتر را با اشتباهاتی که علامت شتاب زدگی است به رصدخانه آنجا نقل داده اند .

انتقال نصف النهار نیمروز به نود درجه در مغرب شش ساعت اختلاف حساب در ساعت مبدأ کلیه حسابها ایجاد میکند و برای تصحیح این شش ساعت روایت شده است که یوشع بن نون و حضرت امیر ( ع ) خورشید را برگرداندند . باروایت چنین معجزه هائی که خورشید شش ساعت عقب مانده باشد اختلاف حساب به آسانی مرتفع میگردد .

همچنین برای مغالطه خواسته اند « کنگدژ » را دریکی از نقاط هند تصور کنند ولی خط نیمروز که از وسط آبادانی جهان میگردد با این خصوصیت از هیچ نقطه ای از هند نخواهد گذشت و از نقطه ای در مشرق مستط کنونی میگردد .

این افسانه هائی که با آب و تاب فراوان در اروپا انتشار یافته بود بسیاری از دریانوردان را در راه کشف این جزایر بی نظیر تطمیع کرد و جان خود را از کف دادند .

## قدمت و اشکال حساب کیسه تاریخ رومی

### ده روز اختلاف

در آثار الباقیه راجع به قدمت و کیسه تاریخ رومی و طول سال هندی مبحثی دارد . برای اهمیت موضوع پس از توضیحات مقدماتی ترجمه آن داده میشود .

در صورتی که در سراسر آثار الباقیه هر جا ممکن بوده است نام « تاریخ اسکندری » کنجانیده شده ملاحظه میشود در این مبحث نه نامی از تاریخ اسکندری برده شده و نه حتی ارتباط آن را با تاریخ رومی تذکر داده است .

نام یولیوس دیکتاتور رومی که در این مبحث ذکر شده غیر از یولیوس قیصر مشهور است که بیرونی معنی آنرا هم شرح داده است . باوجودی که در این مبحث نام دیکتاتور رومی و نام ماههای رومی داده شده و اصلاً ربطی به « گرگ » یا یونان ندارد در ترجمه آثار الباقیه به انگلیسی مترجم ، رومی را گرگ ترجمه کرده است !

برای نشان دادن قدمت مبدأ تاریخ رومی بیرونی دو مرتبه کلمه دهر را به صیغه جمع و مفرد تکرار کرده است تا مدتی طولانی را پیش از عصر موسی و خضر و ذوالقرنین که در حدود ۱۵ قرن پیش از میلاد است تذکر بدهد . چنین تاریخی چنانکه تذکر داده خواهد شد تاریخ طوفان میباشد و مبدأ آن ۴۴۸۰ سال پیش از میلاد است .

رومیان دو قسم کیسه داشته اند یکی کیسه بزرگ و یکی کوچک . کیسه کوچک مدتها پس از مرگ دیکتاتور معمول شده است .

اما کیسه بزرگ ، یا کیسه ۱۲۰ سال یک ماه است و یا کیسه ۱۴۶۱ سال یک سال .

جمله ای که در آن ذکر دوره کیسه ۱۴۶۱ سالی آمده در همه نسخه های خطی آثار الباقیه نیست .

در آخر فصل کیسه ها بیان کرده ایم که چنین کیسه طولانی غیر عملی است و وجود نداشته .

در اوائل قرن چهارم هجری ( ۹۱۳ میلادی ) یعنی سال هائی که سال بشارت و ظهور تصور شده است شخصی کتابی بنام « مأخذ المواقیت » نوشته و در آن کتاب خواسته است اشکالاتی را که راجع به تاریخ رومی در نتیجه حساب سازیهای آن عصر پیش آمده بوده حل کند .

اشکال اول اینست که شماره سالهای تاریخ رومی نسبت به استحقاق کیسه آن کمتر از واقع است .

اشکال دوم اینست که در خود تاریخ رومی از نظر تاریخ گذاری یک روز یا دو روز اختلاف وجود دارد و آنها هم باز مربوط بتاریخ طوفان میشود .

برای حل اشکال اولی مؤلف کتاب نامبرده مدعی شده است که در زمان سابق رومیان سالهای خود را کیسه کرده اند و اگر ما هم مانند ایشان کیسه کنیم اول سال اول نیشان و اول بهار میشود .

در این مورد بیرونی از مؤلف نامبرده میپرسد که در چه وقت رومیان این کار را کرده‌اند؟ و همچنین بیان میکند که چون سرسال رومی نزدیک به برج ثور است با تقریباً یازده روز کبیسه که استحقاق ۱۲۲۵ سال به حساب هندی است سر سال به اول بهار بر نمیگردد، بلکه در روز دهم بهار میافتد.

سال ۱۲۲۵ رومی که مورد بحث است مطابق سال ۲۶۷۸ رصد است. در این سال سرسال بهیز کی ۲۱ روز از اول بهار دور میباشد یعنی نزدیک به اول برج ثور شده و اگر یازده روز کبیسه کنیم سر سال در دهم حمل واقع می شود.

در هر صورت چون صاحب کتاب مأخذالمواقیت نتوانسته حسابی را که پیشنهاد کرده است منظم کند بیرونی وی را جاهل خطاب میکند.

برای حل اشکال دوم که اختلاف یک روز یا دو روز باشد مؤلف مأخذالمواقیت رصد هندی را مأخذ حساب گرفته و همچنین اول سال رومی را اول حمل قرار داده است. میزان صحیح کبیسه در هر ۱۲۸٫۲ سال یک روز است و اگر به حساب رصد غلط منسوب بهند طول مدت سال را کمتر از واقع بگیریم میزان کبیسه در هر ۱۱۸٫۵ سال تقریباً یک روز میشود. با این حيله و همچنین قرار دادن مبدأ تاریخ رومی در روز اول حمل اختلاف یک روز و دو روز در ۲۶۷۸ سال از بین می رود.

بیرونی در این مبحث از مؤلف کتاب مأخذالمواقیت میپرسد که تاریخ مورد بحث او با کدام یک از دو نقطه اعتدال میزان است زیرا اگر روز و ساعت مبدأ حساب و نصف النهار رصد تاریخی معلوم نباشد رسیدگی به حساب کبیسه آن تاریخ امکان ندارد و این موضوعی است که کتاب مأخذالمواقیت وارد بحث در آن نشده است.

خلاصه جدال بر سر اختلاف این ده روز مانند جدال راجع به نصف النهار جزائر خالدهات دامنه اش از کتب تاریخ و نجوم به کتب مذهبی کشیده شده است.

برای تصحیح اختلاف شش ساعت که در نتیجه نقل نصف النهار به خالدهات پیدا شده بود با دو معجزه خورشید باز گشت کرد. برای تصحیح این ده روز هم ملاحظه میشود که در کتاب اشعیا فصل سی و هشتم آفتاب ده درجه به عقب برگشته است.

در صورتی که خورشید ده درجه بعقب برگشته باشد حساب این ده روز هم تصفیه است.

ترجمه از آثار الباقیه :

« شماره ماههای رومی همواره دوازده ماه است و نامهای آنها از این قرار است :

۳۰	۳۱	۲۸	۳۱	۳۱
۳۱	۳۱	۳۰	۳۱	۳۱
۳۱	۳۰	۳۱	۳۰	۳۰

شماره روزهای سال رومی ۳۶۵ روز و هر چهار سال یک روز به ماه فوریه می افزاید و این ماه ۲۹ روز می شود .

آنکه رومیان را بر این داشت که سالهای خود را کیسه کنند یولیوس سلقب به دیکتاتور بود . این پادشاه که در دهرهای گذشته پیش از ظهور موسی (ع) دهری طولانی بر ایشان سلطنت میکرد این ماه ها را با این تقسیمات مقرر داشت و بنامهایی که دارند ناسید [ و وادار کرد آنها را که در هر ۱۴۶۱ سال یک سال تمام کیسه ربعی کنند و این چنین حفظ کردند ] \*

این کیسه را کیسه بزرگ خواندند هنگامی که کیسه چهار سال یک روز را کیسه کوچک نامیدند . کیسه کوچک را مگر پس از گذشتن مدت هائی پس از وفات آن پادشاه بکار نبردند . مدار عمل ایشان چنانکه گفتیم بر هفته است .

صاحب کتاب مأخذالمواقیت گمان کرده آنگاه که کیسه چهار سال یک روز داشتند چه رومیان و چه دیگران اول تاریخ ایشان موقع تحویل آفتاب بحمل ، اول آوریل که نیشان سریانیان میباشد بود .

شاید در ذکر این حکایت راست و مصیب باشد زیرا ارضاد نشان میدهد که کسر سال از ربع کمتر است و تحویل حمل مقدمه بر اول نیشان . پس چنانکه ذکر کرده ممکن بلکه شبیه به واجب میباشد .

بعد از این از رومیان حکایت میکند که ایشان وقتی احساس کردند که سر سالشان از جای خود منحرف شده به سالهای هند التجا بردند و کیسه کردند در سالهای خود تفاوت میان دو سال را ولهدا تحویل به حمل ، به اول نیشان برگشت .

صاحب کتاب نامبرده گفته است اگر ما چنین کنیم نیشان به آنچه بوده بر میگردد و مثالی زده است که آنرا تمام نکرده زیرا نتوانسته و دلالت بر جهالت او دارد . چنانکه از حکایتی که او از رومیان نقل کرده این طور فهمیده میشود که حمله اش بر رومیان است و تعصبش متوجه بطرف غیر از ایشان .

\* قابل توجه است که این جمله در همه نسخه های خطی آثار الباقیه یافت نمیشود .  
چنین دوره ای وجود نداشته است .

وی زیادتی میان سال رومی و سال شمسی را بروش هندیان تجنیس کرده و نتیجه ۷۲۹ ثانیه شده است و بعد روز را از جنس ثانیه نموده و بر عدد مذکور قسمت کرده است. خارج قسمت ۱۱۸ سال و ۶ ماه و ۶ روز و ثلث روز شده و این مقدار است که تاریخ یک روز تمام از جهت زیادتی استحقاق کیسه دارد.

پس از این گفته است که اگر ما کیسه کنیم آنچه را که از تاریخ روم گذشته و تا زمان او ۱۲۲۵ سال بوده تحویل حمل به اول نیشان بر میگردد. ولی مثال را ترك کرده و کیسه نموده و اگر کیسه میکرد نتیجه قضایا تقیض گفتار و دعوی او میشد بعلت نزدیک بودن اول نیشان به اول برج ثور.

این برای اینست که تاریخی را که او خواسته مثل بزنده روز و ثلث روز استحقاق کیسه دارد بسبب این که سالهای رومی کمتر است اول نیشان مقدم میباشد بر تحویل حمل و حصه کیسه میچربد بر اول نیشان و منتهی میشود بروز دهم آن\*.

کاش میدانستم که کدام یک از دو اعتدال را این مرد متعصب برای هندیان مقصود دارد. زیرا اعتدال بهاری بروش ایشان در آن زمان اتفاق میافتاد قبل از اول نیشان به شش روز یا هفت روز. بلکه کاش میدانستم که در چه وقتی رومیان آنچه را که از ایشان حکایت کرده انجام داده اند. آنها بعد از غور و مهارت در علوم هندسه و هیئت و تمسک به برهان دورند از این که به کسانی التجا ببرند که اصول خود را به وحی و الهام اسناد میدهند هنگامی که از ایشان برهان بخواهند و در حیلہ های خود درمانده بشوند.

چنانکه ملاحظه میشود برخی جمله های این مبحث در آثار الباقیه مشوش و دستخورده و مبهم است. در این مرحله از تحقیق چیزی از آن چه تذکر داده شد نمیشود گفت.

### طول سال شمسی

سال شمسی سه گونه است و هر یک برای منظوری در حساب سیاید و نمیشود یکی را بجای دیگری در حساب بکار برد.

در فصل گذشته ملاحظه شد که بموجب رصد منسوب به هند طول سال از میزان حقیقی خود کمتر گرفته شده تا اختلافات راجع به کیسه تاریخ رومی از بین برود.

---

\* در این عبارات کلمات پس و پیش شده است. اول حمل مقدم بر اول نیشان است و با تقریباً یازده روز کیسه سر سال به دهم حمل بر میگردد. «آن» اشاره به حمل است.

در جای دیگر ملاحظه میشود که حساب سازان طول سال را از میزان حقیقی زیادتر گرفته‌اند تا این که حساب دیگری را که منظور بوده است درست در بیاورند .

با وجودی که در این مبحث در آثار الباقیه بیرونی طول سالی را که حمزه اصفهانی روایت کرده و از میزان حقیقی زیادتر است مورد اعتراض قرار داده ملاحظه میشود که در صفحه ۱۱۹ همان کتاب کسر سال را ۹۳٫۲۵ جزء از روز گرفته که همان حساب حمزه است و بعد با این مأخذ که مورد اعتراض خود بیرونی است طالع سال جلوس اردشیر و یزدگرد بن شهریار را حساب کرده است . واضح است چنین تناقضی محال است از شخصی دقیق مثل بیرونی باشد .

دنباله این جدال که از قرن سوم هجری شروع شده تا قرن هفتم و هشتم کشیده میشود .

برای تکمیل این فصل نیز چند سطری از زیج علیشاه بخارائی نقل میکنیم . اعتراض منجمین همعصر علیشاه بخارائی راجع به رصد مراغه و دفاع علیشاه قابل توجه است . زیرا که منجم مذکور در طرفداری خود از رصد مراغه فقط به تمجید از اسباب و آلات رصد کوشیده و این نکته را در نظر نگرفته که در مدت چند سال آنهم با نظریات غلط رصد دقیق محال است .

بهترین مثال در این مورد رصد دوسه ساله منسوب به الغ بیک است که پس از گذشتن مدت کمی اختلاف فاحش در تقویم آفتاب و . . . پیدا شده است .

#### ترجمه از آثار الباقیه

« حمزه اصفهانی در رساله نوروز به مانند این تعرض [ و خود نمائی ] کرده است هنگامی که وی در آن رساله برای فرس تعصب نشان میدهد راجع بعمل ایشان در سالهای شمسی بنا بر این که ۳۶۵ روز و شش ساعت و خمس ساعت و یک جزء از چهار صد جزء ساعت محسوب شود و این که روسیان آنچه را که در دنبال شش ساعت میآید در کیسه اعمال کرده‌اند و به این که محمد بن موسی بن شاگرد منجم در کتاب خود راجع به سالهای شمسی این موضوع را شرحی کافی داده و حجت آورده و با برهان توضیح داده غلط برخی از پیشینیان را که غلط کرده‌اند .



ما در ارساد محمد بن موسی و برادرش احمد جستجو کردیم نمیگوید جز این که این کسور از شش ساعت کمتر است . اما کتابی را که او ( حمزه ) اشاره کرده منسوب به ثابت بن قره است که از پروردگان آنها بود و برای ایشان علوم را تہذیب میکرد .  
مجمعل آنچه را که در آن کتاب بود و اعتراض او این است که اختلاف سالهای ( مختلف ) شمسی و تفاوت آنها را بیان میکند در صورتی که اوج متحرک باشد و با این محتاج به ادوار متساویہ و حرکاتی با زمانهای متکافی گردید تا این که وسط مسیر آفتاب را استخراج کند و برای او ادواری مساوی نشد مگر در فلک خارج مرکز که از نقطه مفروضہ گرفته شود بہمان نقطہ بعینہ و این دور مطلوب کسرش بر شش ساعت اضافه است چنانکہ حمزه و غیر او حکایت کرده اند . ولی آن سال شمسی نامیدہ نمیشود . « آثارالباقیہ .

.....

« اصحاب ارساد بسیار بودند و بعد از ایشان دیگر بزرگان بر اصول رصد ایشان زیج‌ها ساخته‌اند چون نوبت به دولت خواجہ نصیرالدین طوسی رسید کل علوم کمال یافت خاصہ علم ریاضی .

چون بسالها تفاوت فاحش دیدہ بود در مواضع کواکب رصد فرمود کردن و اگرچہ آلت وعدہ بسیار کہ از اطراف ممالک جمع کردہ بودند چندین نوع دیگر بساخت و یقین است کہ آنچه خواجہ را میسر شدہ بود هیچ صاحب رصدی را نشدہ باشد اما روزگار وفا نکرد کہ بہ اتمام رسانیدی .

وقتی جماعتی کوتاہ نظران کہ تعصب کنند بہر وقت با بزرگان گفتند بندہ را کہ اعتقاد تو بر این رصد جدید چرا چنین محکم است کہ در تقویم آفتاب تفاوت فاحش است چنانکہ طالع تحویل سال عالم بہ نسبت با زیجہای قدیم تا بہ دہ برج میرسد و از این گونه تشنیع میکردند .

در جواب آن قوم گفتہ شد کہ این سخن کسی را باشد کہ او را برہانی بود در آنکہ این تفاوت خطاست . چرا خود اینہمہ تفاوت در زیجہا نیست و فایدہ رصد آنست کہ تا آنچه تفاوت افتادہ باشد معلوم گردد و راست شود . «

زیج علی شاہ بخارائی .

### تاریخ رومی قدیم و جدید .

بزرگترین مناصب در روم قدیم منصب پنتیف بود کہ تقویم و مراقبت اوقات در زیر نظر آنها انجام میگرفت . این منصب بقدری اہمیت داشت کہ امپراتوران خود را